

درد دل

ما مرغکان گمکرده آشیانیم
نیمی از قرن است خانه بدوشانیم
نیاسوده ایم بر شاخسار وطن
اسیر پنجه باد و بارانیم
پرهای زدییم بر بام یورپ و روس
از فرنگ تا به امریک سرگردانیم
از پاکستان و شرق بین چه گویم
از زادبوم جدا و افسردگانیم
فاخته ایم، بر شاخ سرو اجنبی
به یاد دیوار خویش کوکو زنانیم
زنده ایم به لطف دیگران و لیک
دریغ، کشته ای دست مسلمانیم
می سزدشکر بگذاریم بر دیگران
کز اخوت دروغ سرگردانیم
م.ش. فروغ

25.06.2014

بر هوت نور

آنکه در بر هوت نور از نظرها غیب شد
خلعت قدسی یافت پاک از ریای و ریب شد

از شورجنون و عشق غزالان دشت
تشنه لبان را آب داد ، داماد شعیب شد
دیدیم گوسفند چرانِ وادی ایمن را
از تواضع تاج یافت رهبرِ شاب و شیب شد
حاصل عشق و جهد است امتیاز بخشای مرد
نشئه صهبای حق نصیب صهبای شد
فروغ یزدانی آنرا گردد میسر
که از عرق، آینه دل را در جیب شد

م . ش . فروغ 03.02.2014

امارات متحده عربی